

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال دوم، شماره ششم، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۶۱ - ۱۸۰

## نقد منابع هندی در معرفی نسخ خطی مثنوی سرپای مهری<sup>۱</sup>

بهمن علامی<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

دکتر محمد حکیم‌آذر<sup>۳</sup>

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول)

دکتر اصغر رضاپوریان<sup>۴</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

### چکیده

سرزمین هند از نظر دارا بودن نسخه‌های خطی فارسی، بسیار غنی و درخور توجه است؛ شناسایی این میراث عظیم فرهنگی و تهیه فهرست‌های موثق و علمی از آن‌ها ضرورتی بی‌چون و چراست؛ زیرا تحلیل محتوایی فهرست‌ها و منابع هندی نشان می‌دهد که این منابع در معرفی نسخ خطی فارسی، تصویری روشن به خواننده انتقال نمی‌دهند. از جمله آثاری که در این منابع به اشتباه معرفی شده، نسخه خطی مثنوی سرپای مهری عرب است که آن را به مهری شاعر دربار نوریجهان و همچنین مهری هروی نسبت داده‌اند. در این مقاله ابتدا فهرستی از مهری‌های معروف که از آن‌ها در تذکره‌ها ذکری به میان آمده ارائه می‌شود، سپس به معرفی مهری عرب و مثنوی سرپای وی می‌پردازیم و در آخر منابع هندی را که به

تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۱۸

۱ تاریخ وصول: ۹۶/۵/۶

<sup>۲</sup> bahmanallami65@gmail.com

<sup>۳</sup> hakimazar@gmail.com

<sup>۴</sup> rezaporian@gmail.com

مثنوی سراپا پرداخته‌اند، نقد می‌کنیم. تأکید این مقاله بر نقد، بررسی و بازنگری منابع مرتبط با فرهنگ ایران است که توسط غیرفارسی‌زبانان نوشته می‌شود؛ البته ریشه بسیاری از اشتباهات و خلط‌نام‌ها در این منابع را باید در تذکره‌های فارسی جست‌وجو کرد. اطلاعاتی که تذکره‌ها در اختیار ما قرار می‌دهند نمی‌تواند الزاماً صحیح باشد. تذکره‌نویسان سه شاعر مه‌ری‌نام، مه‌ری هروی مصاحب گوهرشادبیگم و همسر حکیم عبدالعزیز، مه‌ری مصاحب نورجهان‌بیگم و مه‌ری همسر کریم‌خان زند را با یکدیگر خلط کرده‌اند و همین امر سبب انتساب اشتباه مثنوی سراپای مه‌ری عرب به سایر شاعران مه‌ری‌نام شده است.

## واژه‌های کلیدی

نسخه خطی، مثنوی سراپا، مه‌ری، منابع هندی.

### ۱. مقدمه

روابط فرهنگی و زبانی ایران و شبه‌قاره هند با ورود آریایی‌ها به سرزمین‌های ایران و هند در حدود ۱۱۰۰ تا ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد آغاز شد (نک: کومار، ۱۳۸۶: ۱۲). این روابط با فتوحات سلطان محمود غزنوی گسترش یافت (نک: جابری‌نسب، ۱۳۸۸: ۲۹) و با به قدرت رسیدن حکومت مغول به اوج رسید. در این دوره، زبان فارسی رسمیت یافت و بسیاری از آثار ادبی، تاریخی، مذهبی و سیاسی به این زبان نوشته شد؛ فروانی نسخ خطی فارسی در کتابخانه‌ها و مراکز اسناد شبه‌قاره دلیل بر این ادعاست. بخشی از این نسخه‌ها در دوره حکومت کمپانی هند شرقی بریتانیا از هند خارج شد و بخشی دیگری به صورت پراکنده در کتابخانه‌های مختلف شبه‌قاره نگهداری می‌شود. مطالعه و نشر این میراث عظیم فرهنگی علاوه بر تکمیل دانسته‌ها در شناخت تمدن اسلام و ایران، در تصحیح سایر کتب مرتبط با زبان فارسی مفید است. تهیه فهرست‌نامه‌های نسخه‌های خطی یکی از راه‌های انتقال سریع

اطلاعات به پژوهشگران در شناخت صحیح منابع است که اگر با دقت انجام گیرد، محقق را در مسیر درست هدایت خواهد کرد. دانشگاه کلکته، کمیسیون ملی نسخه‌های خطی هند<sup>۱</sup>، انجمن آسیایی<sup>۲</sup> و انستیتوی مطالعات شرق‌شناسی<sup>۳</sup> از جمله نهادهای فعال در زمینه فهرست‌نویسی نسخ خطی هند هستند. از میان مجموعه‌های نفیس نسخ خطی کهن می‌توان گنجینه محفوظ در کتابخانه دانشگاه بمبئی را نام برد. در این مجموعه، نسخه‌ای از سرپای مهری نگهداری می‌شود که موضوع بحث ما در این جستار است.

## ۲. پیشینه تحقیق

غیر از مطالب مختصری که درباره مثنوی سرپای مهری در تذکره‌ها آمده است، با سه اثر دیگر در این زمینه روبه‌رو می‌شویم:

۱-۲. «تصحیح آینه بدن‌نما (سرپای)» (حبیبی‌نژاد، ۱۳۸۰)؛ معرفی اجمالی ۱۲ سرپای مشهور ادب فارسی، شرح حالی مختصر از مهری، معرفی نسخ مورد استفاده و در نهایت متن تصحیح شده ساختار این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

۲-۲. «سرپای: یکی از انواع ادبی غریب فارسی» (شفیع‌یون، ۱۳۸۹)؛ نویسنده در این مقاله به معرفی مختصر سرپاها و تحلیل ساختار ادبی و وجوه بلاغی این نوع ادبی پرداخته و اشاره‌ای هم به سرپای مهری عرب کرده است.

۳-۲. «سبک‌شناسی دیوان مهری عرب و معرفی نسخ خطی این دیوان» (حکیم‌آذر و علامی، ۱۳۹۵)؛ نویسندگان در این مقاله ضمن معرفی نسخ خطی اشعار مهری، ویژگی‌های شاخص شعر وی را از جنبه‌های ادبی، زبانی و فکری بررسی کرده‌اند.

## ۳. روش پژوهش

موضوع این مقاله معرفی نسخ خطی مثنوی سرپای مهری عرب و بررسی ایرادهای منابع هندی آن است. نویسندگان پس از مطالعه تذکره‌ها و منابع فارسی مرتبط با مثنوی سرپای به

منابع هندی پرداخته و اشکال این منابع در معرفی مثنوی مذکور را نقد و بررسی کرده‌اند.

#### ۴. مهری کیست؟

نام‌های متشابه بین شاعران فارسی‌زبان از قدیم باعث شده که مردم آن‌ها را به‌جای یکدیگر اشتباه بگیرند و یا حتی شعر یکی به دیوان دیگری برود؛ به همین دلیل قبل از اینکه به شاعر مورد نظر پرداخته شود، فهرستی از مهری‌های سخنور که از آن‌ها در تذکره‌ها ذکری به میان آمده ارائه می‌شود:

– **مهری مشهدی:** «از شهر مشهد آمده در این دیار [کشمیر] سکونت نموده، و مشاطة شاهدان معانی و روشنگر مرآت سخندانی بود» (راشدی، ۱۳۴۶، ج ۴: ۱۹۰۵). «دلش مشهد مهر شاهدان معانی و کلامش مقبول طبایع و ارباب سخندانی است» (سلیم بهوپالی، ۱۲۹۵: ۴۸۰).

– **مهری کشمیری:** «از شعرای شاه چک بود؛ در فضایل علم سخنوری بهره‌ وافر داشت» (راشدی، ۱۳۴۶، ج ۴: ۱۹۰۵).

– **مهری کازرونی:** «بانو رباب دختر میرزا ابوالقاسم کازرونی، ت ۱۲۷۰ ش» (خیام‌پور، ۱۳۷۲، ج ۲: ۸۹۰).

– **مهری لاهیجانی:** «مهرانگیز نیک‌نژاد دختر محمدتقی، ت ۱۳۱۶ ش» (همان‌جا).

– **مهری بخارایی:** «حامد خواجه فرزند قاضی عبدالوهاب بخارایی» (همان‌جا).

– **مهری دلیل:** «از زنان سخنور» (همان‌جا).

– **مهری خوبی:** مهری زنوزی متخلص به فدوی از شاعران قرن سیزدهم هجری، «ملایی وارسته بود، و در ادب و نجوم دست داشت. به سه زبان فارسی و ترکی و عربی اشعاری از او مانده است» (ریاحی، ۱۳۷۲: ۲۲۵).

– **مهری مؤمن:** از زنان سخنور قرن چهاردهم است (مشیر سلیمی، ۱۳۳۵، ج ۲: ۲۴۷).

- مهری معتضد: از زنان سخنور قرن چهاردهم است (همان، ج ۳: ۳۲۳).
- مهری خاتون: از شعرای عثمانی بوده و قصاید و غزلیات زیبایی به زبان ترکی سروده است (نک: ادرنه‌لی، ۱۳۲۵: ۱۲۲).
- مهری هروی: اسمش مهرالنسا و از شاعران زمان میرزا شاهرخ گورکان است.
- مهری شاعر دربار نورجهان بیگم: بعضی از تذکره‌ها وی را از شاعران قرن یازدهم هجری و ملازم بانو جهان بیگم (وفات ۱۰۵۵ق) می‌دانند و نام همسر او را خواجه حکیم ذکر کرده‌اند.
- مهری عرب: سید علی جبل عاملی از شاعران سده یازدهم، «مشارالیه جوان نامراد درویشی است در کمال صلاح، فی الجمله تحصیلی کرده و در تربیت نظم طبعش لطفی دارد، [...] سید تخلص دارد، گاهی مهری هم می‌کند» (نصرآبادی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۵۶۸). وی «در زمان سلطان حسین صفوی به منصب ملک‌الشعرایی سرافراز گردید» (هاشمی سندیلوی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۲۵۰).
- در این مقاله غیر از مهری عرب، مهری هروی و مهری شاعر دربار نورجهان که سرگذشت آن‌ها با مثنوی سرپای در ارتباط است، سایر شاعران در مقوله بحث ما قرار نمی‌گیرند.

## ۵. مثنوی سرپای مهری

این مثنوی ۱۲۶ بیت دارد و در بحر رمل مسدس محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) سروده شده است. موضوع اصلی مثنوی سرپای مهری، زیباشناسی و توصیف کامل اندام معشوق است؛ در واقع «سرپای یکی از انواع ادبی فارسی است که در آن شاعر یا نویسنده همت اصلی و آغازین خود را در وصف زیبایی‌های سرپای معشوق عموماً مطابق سنت‌های ادبی به طرز خیالین و هنرمندانه‌ای به کار بسته باشد» (شفیعیون، ۱۳۸۹: ۱۵۱).

### ۱-۵. ساختار مثنوی سرپای مهری

### ۱-۱-۵. توصیفات کلی و انتزاعی از معشوق

شیرین حرکت، غنچ و دلالت، حسن، جمال، اشارات، سخن، جلوۀ ناز، ناز، قهقهه، نرمی، نازکی، طراوت، خوشبویی، نفس، مدّ نگاه، عرق، ملاحظت، تغافل، صدا، شوخی، تمکین، گردش چشم، سایه، آواز، ذات، تبسم، تن، رسا، شرم و حیا، نگاه مست، خرام، مهر، کین، عشوه، شوخ، صباحت، شیرین جان، لب نوشین، شکرخند، نشئه.

### ۲-۱-۵. توصیفات اندام بدن معشوق

قد، قامت، سر، فرق، زلف، سر زلف، گیسو، مو، رخ، رخساره، چهره، جبین، چینِ جبین، پیشانی، ابرو، دنباله ابرو، مژه، مژگان، خال، ذقن، چشم، دنباله چشم، مردمک، گوش، بناگوش، بینی، دهان، دندان، زبان، چانه، گلو، غبغب، گردن، شانه، دوش، آغوش، سینه، پستان، بازو، ساعد، دست، پنجه، انگشت، ناخن، کف دست، پشت دست، کمر، شکم، ناف، سرین، فاشِ نهران، ران، زانو، ساق، پا، کف پا.

### ۳-۱-۵. زیور و جامه و آرایش معشوق

وسمه، سرمه، گوشواره، گلوبند، حنا، خلعت، پیراهن، دامن، تکمه، غالیه، غازه، گلگونه، عنبر، عنّاب، گلاب.

### ۶. نسخه‌های خطی مثنوی سراپای مهری

– کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۳۲۱۷، ۳۶۸۹/۱۲، ۲۹۵۰/۱۴، ۴۳۳۰، ۴۲۳۹/۳، ۴۳۹۱/۴.

– کتابخانه مجلس، شماره ۱۴۱۴۸، ۱۴۰۵۳/۷، ۹۴۰۷/۵، ۱۱۴۶ اس س، ۱۳۴۶۳/۳۵، ۹۴۲۵/۱۸، ۱۴۱۷۸/۹، ۲۳۲۹/۱۶، ۵۷۴۸/۳.

– کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۴۳۴۱۰، ضمیمه ۴۳۴۰۹، ۲۳۵/۲.

– کتابخانه و موزه ملی ملک، شماره ۵۱۱۴، ۴۶۷۶/۵، ۴۹۳۲/۸، ۴۸۹۹/۸، ۴۷۱۹، ۵۰۹۱/۵.

- کتابخانه دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، شماره گ ۵۴ پ - ۵۷ پ.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۰۶۱-۲۵۸۱/د، ۱۲۳۴۸۹۶.
- کتابخانه دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>، شماره ۹۳۱۰۸، ۹۶۶۴۲، ۱۰۴۷۰۰، ۱۰۴۷۰۱، ۱۰۴۷۰۷، ۸۵۲۱۷، ۹۳۱۰۸، ۹۴۲۹۶.
- موزه بریتانیا، شماره or4772، ۲۲۷۸۹/۱.
- کتابخانه گنج بخش اسلام آباد، شماره ۱۰۸۴۹.
- موزه ملی کراچی، شماره N.M.1952-202/18-8، N.M.1963-250/4.
- کتابخانه سلطنتی لندن، شماره ۶۷۴/۹.
- کتابخانه دانشگاه بمبئی، شماره ۷۸.

#### ۷. فهرست نسخ خطی کتابخانه دانشگاه بمبئی

کتابخانه دانشگاه بمبئی شامل مجموعه‌های اهدایی خانواده‌هایی همچون خطخطس (Khatkhates) و محققانی مانند شیخ عبدالقادر سرفراز و آصف علی اصغر فیضی است (Khalidi, 2003: 38). فهرست توصیفی نسخ خطی عربی، فارسی و اردو در کتابخانه دانشگاه بمبئی به کوشش خالد بهادر و شیخ عبدالقادر منتشر شده است (بمبئی: انتشارات دارالقیامه، ۱۹۳۵). در این فهرست بالغ بر هشتصد عنوان نسخه خطی فارسی معرفی و مستخرجاتی کوتاه از هر اثر در کنار آن درج شده است. از ویژگی‌های خوب این اثر، تقسیم‌بندی دقیق و نمایه‌های جامع در آغاز و پایان کتاب است؛ به گونه‌ای که خواننده به راحتی می‌تواند مشخصات نسخه مورد نظر خود را در فهرست بیابد.

#### ۸. مثنوی سراپای مهری در فهرست کتابخانه دانشگاه بمبئی

در صفحه ۱۵۵ این فهرست با استناد به یک جُنگ خطی، ذیل نسخه‌ای به نام «سراپای

مهری» به شماره ۷۸ چنین آمده است: «به دنبال مثنوی اشاره شده در بالا [مرآت الحسن] یک مثنوی فارسی دیگر که به همان موضوع سراپا می‌پردازد، آمده است که توسط مهری سروده شده است. این مثنوی در F.87 به صورت زیر آمده است:

ای بت چابک شیرین حرکات      جلوۀ ناز تو چون آب حیات

و در F.92 با ابیات زیر تمام می‌شود که تخلص شاعر نیز در آن به کار رفته است:

روز و شب مهری بی‌تاب و توان      کرده نام خوش تو ورد زبان

آدم همچو پری حورا (هکذا)      که به دنیات فرستاده تو را

این شعر نیز توسط مؤلف و نسخه‌نویس تذکره در ۲۲ شوال ۱۲۷۰ برابر با ۱۸ جولای ۱۸۵۴ رونویسی شده است؛ پس از بیان مشخصات، شرح مختصری از شاعر می‌دهد و بیان می‌کند که او یک زن زیباروی فارسی بوده که توسط نورجهان ملکه جهانگیر پرورش یافته و مورد تشویق قرار گرفته است. او پس از آن با حکیم خواجه محرم‌علی که دلباخته او بود ازدواج می‌کند. یک نسخه از این شعر به عنوان سراپای مهری توسط Pertsch در مجموعه برلین به شماره ۶۷۴/۹ مورد توجه قرار گرفته است» (Khan Bahadur, 1935: 155).

#### ۹. نقد فهرست کتابخانه دانشگاه بمبئی

سراینده مثنوی سراپا در این فهرست با استناد به یک جنگ خطی، به اشتباه مهری شاعر دربار نورجهان معرفی شده است؛ درحالی که این مثنوی سروده سیدعلی مهری عرب «خلف سید مسعود جبل عاملی از خاک پاک جبل عامل» (نصرآبادی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۵۶۸) متخلص به مهری است که «در اواخر صفویه به اصفهان می‌زیست» (مدرس، بی‌تا، ج ۶: ۴۱). «شعرای پایتخت سلطانی بدو [مهری عرب] حسد بردند، سلطان برین معنی مطلع شد. برای افحام خصام روزی سر دیوان عام به مهری امتحاناً حکم داد تا بدیهه چیزی موزون نماید؛ وی در چند ساعت مثنوی آینه بدنمای سراپای محبوب در سلک نظم کشید و به نظر شاهی



گذرانید» (صبا، ۱۳۴۳: ۷۸۳). کثرت نسخ خطی این اثر در گنجینه مخطوطات نشان می‌دهد «مثنوی سرپای محبوب او محبوب قلوب... است» (بهوپالی، ۱۲۹۲ق: ۱۰۷).

کامل‌ترین و کهن‌ترین نسخه به جامانده از دیوان مهری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۳۲۱۷ نگهداری می‌شود. این نسخه شامل غزلیات، قصاید، مثنوی‌ها و رباعیات شاعر است و به خط خوش نستعلیق در ۳۷۶ صفحه، روز آدینه ۱۲ شعبان ۱۱۱۵ هجری، کاتبی به نام اسد بن حسن بیک برای کتابخانه میرزا محمداقرا تحریر کرده است. مثنوی سرپای در این نسخه با ابیات زیر آغاز می‌شود:

ای بت چابک شیرین حرکات      جلوۀ ناز تو چون آب حیات  
وہ چہ جلوہ رم آہوی ختن      موج می شہر طاووس چمن  
(همان: ۵۴)

و با ابیات زیر پایان می‌پذیرد:

روز و شب مهری بی‌تاب و توان      کردہ نام خوش تو ورد زبان  
آدمی چہ چہ پری حورلقا      کہ بہ دنیات فرستادہ خدا  
(همان: ۶۲)

همچنین نسخه‌ای که در این فهرست با عنوان نسخه برلین به شماره ۶۷۴/۹ معرفی شده، همان سرپای سیدعلی مهری عرب است (Pertsch, 1888: 695). این نسخه در کتابخانه سلطنتی برلین، در ضمن جنگی به نام گلشن عشق مضبوط است، مؤلف و تاریخ تألیف جنگ مشخص نیست. مثنوی سرپای در این جنگ با بیت زیر آغاز می‌شود:

ای بت چابک شیرین حرکات      جلوۀ ناز تو چون آب حیات  
(جنگ گلشن عشق، نسخه خطی شماره ۶۷۴/۹ برلین: گ ۸۱)

و با بیت زیر پایان می‌پذیرد:

آدمی چه چه پری حورلقا که به دنیات فرستاده خدا  
(همان: گ ۸۳)

#### ۱۰. نگاهی به سایر منابع هند

۱-۱۰. Nur Jahan: Empress Of Mughal India

نویسنده کتاب، نورجهان: ملکه هند مغول<sup>۵</sup>، مثنوی سراپا را به مهری شاعر دربار نورجهان نسبت داده است (Findly, 1993: 113).

۲-۱۰. Dictionary of Indo-Persian Literature

واژه‌نامه ادبیات هند-ایران<sup>۶</sup> سراینده سراپا را مهری شاعر نورجهان بیگم معرفی کرده است (Hadi, 1995: 350).

۳-۱۰. Royal Mughal Ladies and Their Contributions

نویسنده کتاب مشارکت زنان در سلطنت مغول<sup>۷</sup>، مثنوی سراپا را به مهری هروی نسبت می‌دهد و علاوه بر آن، مهری هروی را از شاعران دربار نورجهان معرفی می‌کند (Mukherjee, 2001: 175). البته ریشه این اشتباه و خلط نام را باید در تذکره‌های فارسی جست‌وجو کرد.

#### ۱۱. خلط نام مهری در تذکره‌های فارسی

در جواهرالعجایب، اولین تذکره‌ای که از مهری هروی سخن به میان آمده است، چنین می‌خوانیم: «در ایام دولت شاهرخ میرزا، در ملازمت گوهرشاد بیگم، طاب الله ثراه، بوده و مرتبه خصوصیت داشته و زن خواجه عبدالعزیز حکیم بوده... او را به سلطان مسعود میرزا، خواهرزاده بیگم، نظر رغبت بوده، روز عیدی... به دیدن او رفته بود. سلطان مسعود در برج قلعه اختیارالدین... نشسته بود. بعد از دریافت ملاقات از هر جا حکایات مذکور می‌گشت. در آن محل حکیم، که شوهر مهری بود، از دور در پایان قلعه می‌گذشت. سلطان تبسم فرموده

او را به مهری نمود...» (فخری هروی، ۱۹۶۸: ۱۲۴-۱۲۵). در این تذکره، مهری هروی زن خواجه عبدالعزیز حکیم و از ملازمان گوهرشادبیگم معرفی شده و قول کتاب *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات* مهر تأییدی است بر صحت گفته‌های صاحب *جواهر العجایب*: «مهری هروی در صحنه اجتماع آن مدینه فاضله بروز و ظهور نموده و داد فضل و ادب و سخندانی داده است. زوجه خواجه عبدالعزیز پزشک مخصوص سلطان شاهرخ میرزا بوده، اسمش مهرالنسا و از زنان مشهور زمان میرزا شاهرخ گورکان است، در فضایل و کمالات شهره جهان بوده و با گوهرشادبیگم شاهزاده‌خانم آن دودمان مانوس و معاشر بوده است» (زمجی اسفزاری، ۱۳۳۹، ج ۲: ۳۵).

در تذکره *مرآة الخیال* با عنوان مهری هروی آمده است: «... از نزدیکان *مهدي غلیا* نورجهان بیگم بود؛ روزی در خدمت بیگم بالای قصر جهان‌نما نشسته بود. ناگاه خواجه حکیم که شوهر مهری مذکوره باشد، در پایین قصر نمودار شد. بیگم مهری را فرمود که خواجه را بطلبد...» (لودی، ۱۳۷۷: ۲۷۸-۲۷۹). صاحب تذکره *مرآة الخیال* اولین کسی که به جای گوهرشادبیگم، مهری را از نزدیکان نورجهان بیگم معرفی می‌کند و واقعه حکیم را که در *جواهر العجایب* به سلطان مسعود منسوب است، به نورجهان بیگم نسبت می‌دهد.

تذکره *نتایج الافکار* همانند *مرآة الخیال* همان قصه نورجهان بیگم و مهری و حکیم را نقل می‌کند (نک: گوپاموی، ۱۳۸۷: ۷۲۱). تذکره حسینی نیز همین داستان را می‌آورد (نک: حسینی سنهلی، ۱۲۹۲ق: ۳۲۳).

تذکره روز روشن علاوه بر اینکه صاحب عنوان را ملازم نورجهان بیگم می‌داند، مهری هروی را از مهری عهد شاهرخ جدا می‌کند و می‌نویسد: «مهری هرویه زن از قوم جلایر و زوجه کریم خان وکیل السلطنه ایران است... وی به وجه پیری و ضعف شوهر خود، با شاهرخ میرزا پنهان سرّی داشته...» (صبا، ۱۳۴۳: ۶۶۵-۶۶۶).

اما حکیم شاه محمد قزوینی در ترجمه *مجالس النفایس*، مهری را زن مولانا حکیم طبیب

میرزا شاهرخ معرفی و نقل کرده است که استاد او شاگرد مولانا حکیم بوده، مهری را دیده و با او صحبت داشته است (نک: علیشیر نوایی، ۱۳۶۳: ۱۹۴-۱۹۵).

نتیجه آنکه تذکره‌نویسان سه شاعر مهری نام را با هم خلط کرده‌اند: ۱. مهری هروی مصاحب گوهرشاد بیگم و همسر حکیم عبدالعزیز، ۲. مهری مصاحب نورجهان بیگم، ۳. مهری همسر کریم خان زند.

## ۱۲. نتیجه‌گیری

سرایندهٔ مثنوی سراپا، سیدعلی مهری عرب است و منابع هندی به اشتباه آن را به مهری شاعر دربار نورجهان و مهری هروی نسبت داده‌اند؛ بنابراین لازم است منابع مرتبط با فرهنگ ایران که در خارج از ایران تألیف شده‌اند، نقد و بررسی و بازنگری شوند؛ و ضمن احترام برای فهرست‌نویسان غیرفارسی‌زبان، با تعاملات دولت‌ها شیوه‌های مدرن و دیجیتال فهرست‌نگاری بر نسخ خطی فارسی خارج از کشور اعمال شود.

اطلاعاتی که تذکره‌ها در اختیار ما قرار می‌دهند نمی‌تواند همیشه صحیح باشد و مطالعهٔ تطبیقی این آثار است که می‌تواند نتایج سودمندی داشته باشد. در کتاب *روضات الجنات فی اوصاف مدینهٔ هرات* از مهری هروی به‌عنوان معاشر گوهرشاد یاد شده است، بنابراین قول تذکره‌های چون *مرآة الخیال*، *نتایج الافکار*، *روز روشن* و نویسندهٔ کتاب *Royal Mughal Ladies and Their Contributions* صحیح نیست. ظاهراً هیچ شاعری با تخلص مهری در مصاحبت نورجهان بیگم نبوده و اولین کسی که مهری را شاعر دربار نورجهان دانسته مؤلف *مرآة الخیال* است که احتمالاً عبارت نسخهٔ خطی‌ای از *جوهر العجایب* را درست نخوانده و به اشتباه «گوهرشاد بیگم» را «نورجهان بیگم» ساخته است و به تقلید از وی دیگران هم این حکایت را نقل کرده و به اشتباه مهری را از زنان هند و همنشین نورجهان دانسته‌اند.

### پی نوشت‌ها

1. The National Mission for Manuscripts
2. The Asiatic Society
3. The Bhandarkar Oriental Research Institute

۴. شکل صحیح بیت بر اساس نسخه‌های موجود چنین است: آدمی یا پری ای حورلقا؟/ که به دنیات فرستاده خدا

5. Nur Jahan: Empress Of Mughal India
6. Dictionary of Indo-Persian Literature
7. Royal Mughal Ladies and Their Contributions

### منابع

۱. ادرنه‌لی، سهی (۱۳۲۵)، تذکره سهی، استانبول: آمد.
۲. بهوپالی، نورالحسن بن محمد صدیق حسن خان (۱۲۹۲ق)، تذکره نگارستان سخن، کلکته: طبع شاه‌جهانی.
۳. جابری‌نسب، نرگس (۱۳۸۸)، «مهاجرت ایرانیان به هند»، فصلنامه مطالعات شبه قاره، دوره اول، شماره ۱، ۵۲-۲۵.
۴. حبیبی‌نژاد، ذبیح‌الله (۱۳۸۰)، «تصحیح آئینه بدن‌نما (سراپا)»، گنجینه بهارستان؛ مجموعه ۱۶ رساله در ادبیات فارسی، به‌کوشش بهروز ایمانی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۳۳۸-۳۲۶.
۵. حسینی سنبله‌لی، میرحسین دوست (۱۲۹۲ق)، تذکره حسینی، لکهنو: نولکشور.
۶. حکیم‌آذر، محمد و علامی، بهمن (۱۳۹۵)، «سبک‌شناسی دیوان مهری عرب و معرفی نسخ خطی این دیوان»، پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی، دوره اول، شماره ۱، ۵۶-۳۳.
۷. خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۷۲)، فرهنگ سخنوران، تهران: طلایه.

۸. راشدی، حسام‌الدین (۱۳۴۶)، *تذکره شعرای کشمیر: تکملة تذکره شعرای کشمیر* محمد اصلح میرزا، کراچی: اقبال آکادمی کراچی.
۹. ریاحی، محمد امین (۱۳۷۲)، *تاریخ خوی*، تهران: توس.
۱۰. زمجی اسفزاری، معین‌الدین محمد (۱۳۳۹)، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، تصحیح محمد کاظم امام، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. سلیم بهوپالی، محمدعلی حسن خان (۱۲۹۵)، *تذکره صبح گلشن*، به‌اهتمام مولوی محمد عبدالمجیدخان، کلکته: مطبع شاه.
۱۲. شفیعیون، سعید (۱۳۸۹)، «سراپا: یکی از انواع ادبی غریب فارسی»، *مجله علمی پژوهشی جستارهای ادبی*، شماره ۱۷۰، ۱۴۷-۱۷۴.
۱۳. صبا، محمد مظفر حسین (۱۳۴۳)، *تذکره روز روشن*، تصحیح رکن‌زاده آدمیت، تهران: کتابخانه رازی.
۱۴. علیشیر نوایی، امیر (۱۳۶۳)، *تذکره مجالس النفایس*، به‌اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: منوچهری.
۱۵. فخری هروی، سلطان محمد (۱۹۶۸)، *تذکره روضة السلاطین و جواهر العجایب*، تصحیح حسام‌الدین راشدی، حیدرآباد: سندی ادبی بورد.
۱۶. کومار، سوبه‌اش (۱۳۸۶)، *فرهنگ تطبیقی واژگان مشترک زبان‌های فارسی و هندی*، همدان: سپهر دانش.
۱۷. گلشن عشق، کتابخانه سلطنتی برلین: شماره ۶۷۴/۹ [نسخه خطی].
۱۸. گوپاموی، محمد قدرت‌الله (۱۳۸۷)، *تذکره نتایج الافکار*، تصحیح یوسف بیگ باباپور، قم: مجمع ذخایر اسلامی.
۱۹. لودی، شیرعلی خان (۱۳۷۷)، *مرآة الخیال*، به‌اهتمام حمید حسنی، تهران: روزنه.

۲۰. مشير سليمي، علي اكبر (۱۳۳۵)، **زنان سخنور**، تهران: علمي.
۲۱. مدرس، ميرزا محمدعلي (بي تا)، **ريحانة الادب**، تبريز: چاپخانه شفق.
۲۲. مهري عرب، سيدعلي رضا بن سيد مساعد جبل عاملی ( ۱۱۱۵ق)، **ديوان اشعار**، تهران: كتابخانه مركزي دانشگاه تهران، شماره ۳۲۱۷ [نسخه خطی].
۲۳. **مجموعه رساله**، كتابخانه مجلس شورای اسلامي: شماره ۵۵۵۷ [نسخه خطی].
۲۴. نصرآبادي، محمدطاهر (۱۳۷۸)، **تذكرة نصرآبادي**، تصحيح محسن ناجي نصرآبادي، تهران: اساطير.
۲۵. هاشمي سنديلوي، شيخ احمد علي خان (۱۳۷۲)، **تذكرة مخزن الغرائب**، تصحيح محمدباقر. اسلام آباد: مركز تحقيقات ايران و پاكستان.
26. Findly, Ellison Banks. (1993), **Nur Jahan:Empress of Mughal India**, New York: Oxford University Press.
27. Hadi, Nabi (1995), **Dictionary of Indo-Persian Literature**, New Delhi: Indira Gandhi National Centre for the Arts/Abhinav Publications.
28. Khalidi, Omar (Fall 2002- Spring 2003), "A Guide to Arabic, Persian,Turkish and Urdu Manuscript Libraries in India", **MELA Notes**, 75-76.
- 29.KhanBahadur,Shaikh'Abdu'l-Kadir-e-Sarfaraz(1935),**A Descriptive Catalogue of the Arabic, Persian and Urdu Manuscripts in the library of the University of Bombay**, Bombay: University of Bombay.
30. Mukherjee, Soma (2001), **Royal Mughal Ladies and Their Contributions**, New Delhi: Gyan Pub, House.
31. Pertsch, Wilhelm (1888), **Die Handschriften-Verzeichniss Der Königlichen Bibliothek zu Berlin**, Berlin: A. Asher & co.

شدنش از ذوق ایوان بچار  
غم در آمد کرد او هم زرار  
گفت شبنجای طافت کن گشت خلق  
من نوازم هیچ طافت درانی  
میروم این خاکدان بر صولع  
الودع ارسع عالم الودع  
این بلفظ نامه دست بر جان بند  
بمجازه دست بر جان بند  
قطره بود اندرین کبر مجاز  
سوز را بچقیقت زلفت  
اینچنین آفتاب در راه عشق  
این که و اندک است آگاه عشق  
است کاین شب بزم کمان  
جلوه از زو چون آفتاب  
ده جلوه رسم او در عشق  
دل ز کف داده قدرت شمشاد  
خبره فد تو سرو از ادا

ده جود است ای بابم سخن بهر تریسم سبزه  
ده جود بود او را زنی رویه  
ش کن کل سرور از کل ارم رخ از کت کت بود از راه  
که سبزه ای بر ایلی

اده اکثرت زلف بر اند  
چشم بچشم حلقه حلقه گویند  
ده جود صراط بر زلفم هم  
همه را نشدند یاد او هم  
در دست از دم بویست  
انفدم خاک ز شبنم سبزه  
ده جود کبویست من آه بود  
میج غم زنده باش بود  
کجا از عارضت از وقت  
بعلل از آنش تو سوزم  
ده جود عارض در جان افروز  
نهر زاننده صباح نوروز  
جام زینت لب از صن جان  
کند لب بر رخ بر غم و دلال  
ده جود جام و صحن مطلق  
سبزه صحن و صحن زینت  
موج چین است چین در لب و دگر  
جوهر حسن نواجا رده چو حسن

صفحه آغاز مثنوی سراپای مهری، نسخه خطی کتابخانه سلطنتی برلین، شماره ۶۷۴/۹ (جنگ گلشن عشق)





کردش نام محبش شعرا که بماند مبادکاری با  
وله شنوی مسمی با عیبت **بیرن** نما در وصف **سراپای**  
ایست چایک شیرین حرکات  
وه چه جلوه رم آهوی ختن  
دل کف داده سرو شمشاد  
نیزه قد تو سر و آزاد  
وه چه قد همت ارباب کرم  
چون سپرت سر و شمشاد  
وه چه سردار دازین روی  
کرنسیه خمیه براید لیلی  
شانه بر فرق تو از اسحیات  
حیدولی کرده روان در طمات  
فرق چه ریخته کلک تقدیر  
عیدول نقشه غنیه تحریر  
آمده تا کمرت زلفش بند  
خیم حکیم حلقه مجلقه جو کمند  
وه چه حلقه چه سر زلفش خم  
همه سر رشته پیدا و دستم  
در رهت از خم کیوی راسا  
هر قدم خاک نشین سلها  
وه چه کیویت من آه میچه  
موج عنبر شده ناش کیسو  
کل ز خساره آفرینست  
بلبل از آتش تو خوشست



